

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام و تحیت با نظر به ضرورت تولید نرم افزارهای اداره حکومت اسلامی و عنایت به این امر که تولید این نرم افزارها بلاشک از مسیر اجتهاد در ابواب فقه حکومتی می گذرد، نوشتار حاضر چکیده ی مجموعه سوالات پیشینی است جهت نیل به مدلی برای تحصیل اجتهاد، با نظر به دستیابی به شبکه ای از مجتهدین که از توان مندی های لازم جهت تولید نرم افزارهای حکومتی برخوردار باشند. در ادامه، مبادی بحث، به عنوان سوال های اساسی طرح می گردد: «جایگاه روش فقه:» ۱. آیا درست است که تولید نرم افزارهای اداره حکومت اسلامی (سیاست، اقتصاد، ارتباطات، تعلیم و تربیت، ...)، نیازمند اجتهاد در ابواب فقه حکومتی است در حالی که این ابواب، از اجتهاد مصطلح فعلی که ناظر بر فقه فردی است حداقل از نظر موضوع متباین اند؟ و در حال حاضر، دانش فقه، نیازمند توسعه ابواب و گستره موضوعات آن است؟ ۲. آیا صحیح است که هر نرم افزاری که بناست درون تمدن شیعی تولید شود باید مبتنی بر سنت معرفتی شیعه باشد و یکی از اصیل ترین این سنت ها فقه جواهری است لذاست که متولی تولید نرم افزارهای اداره حکومت اسلامی، دقیقاً، مجتهدین هستند؟ و این به این معناست که لازم است معنای حقیقی واژه «مجتهد» به معنایی وسیع تر از لفظ رایج و مصطلح کنونی آن بازتعریف شود؟ «نسبت اجتهاد در فقه حکومتی با اجتهاد در فقه فردی» ۳. آیا مجتهد شدن در ابواب فقه حکومتی (در جهت رفع نیازهای نرم افزاری حکومت شیعی) کاملاً از مسیر مجتهد شدن در ابواب فقه فردی می گذرد؟ مثلاً «فقه مدیریت» را کسی باید تحصیل و تولید کند که در صلوا و صوم نیز مجتهد است؟ یا اینکه مجهز شدن به ابزارهای عقلی و قلبی اجتهاد (مثل دانش اصول و علم الحدیث و تسلط بر قرآن و ...) فرد را از اجتهاد در ابواب رساله های عملیه، کفایت می کند؟ و حضور او در حوزه فقه فردی، صرفاً به منظور تمرین و کسب مهارت در استفاده از قواعدی است که در اجتهاد ابواب حکومتی به کار گرفته می شوند؟ «مبنای فکری- فلسفی تمدن شیعه» آیا صحیح است که هر تمدنی مبتنی بر یک نظام فکری-فلسفی است و در حال حاضر در تمدن شیعه این «حکمت متعالیه» است که قابلیت اینکه مبنای تمدن زایی شیعه قرار بگیرد را دارد؟ و یکی از ستون های بنای تمدن شیعی، نظام معرفتی ملاصدرا است؟ (البته با عنایت به سوابق و لواحق اش). تا آنجا که این حکمت متعالیه است که اگر اضافه به دانشی بشود، و آنرا معتبر به اعتبار خود نماید، فلسفه مضافی را می سازد که دانش مضاف الیه را در تمدن شیعه هویت می بخشد؟

متن پاسخ

علیکم السلام باسمه تعالی آری؛ مسلّم ابواب فقه باید توسعه یابد و موضوعات دیگری به آن اضافه شود و در فقه موجود بدون آن که به روش آن بی‌توجهی شود، در محتوای آن باید تحولی اساسی پدید آید که مقام معظم رهبری «حفظه‌الله تعالی» در دیداری که با نخبه‌گان حوزه داشتند موضوع را مورد تأکید قرار دادند. همان‌طور که عرض شد وقتی موضوعات فقهی از فقه فردی گسترده‌تر شد تحولی اساسی در فقه و شخصیت فقیه به‌وجود می‌آید ولی موضوعات فقه فردی از سایر امورات جداناپذیر است، یک دستگاہ فکری است. نمونه‌ی آن حضرت امام «رضوان‌الله تعالی علیه» است که با جامعیت خود در امور فردی و اجتماعی اسلام توانستند انقلاب اسلامی را ایجاد و حفظ کنند. به نظر بنده همین‌طور است که برای پدیدآمدن تمدنی، تفکر فلسفی نیاز است و همان‌طور که در جلسه‌ی هشتم و نهم مباحث «تمدن‌زایی شیعه» عرض کردم، حکمت متعالیه توان پشتوانه‌ی فلسفی تمدن شیعه را دارد.

موفق باشید